

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ترتیب و ارسال از: قاسم باز و یادداشت پورتال

۲۶ نومبر ۲۰۲۰

مشاجره فیسبوی در مورد استعفای اعلیحضرت محمد ظاهر شاه از

مقام سلطنت !

(بخش اول)

جناب آقای انجنیر احسان الله مایار به تاریخ ۱۶/۱۱/۲۰۲۰ در وب سایت آریانا افغانستان در مورد استعفاء نامه اعلیحضرت محمد ظاهر شاه مطلبی نوشته و از دوستان خواهش نموده هر شخصی که در آن مورد چیزی می داند روشنی بیندازد.

از خوانندگان محترم میخوام پیش از آنکه این مشاجره را مرور نماید لطفاً نوشته محترم انجنیر صاحب احسان الله مایار که در لینک ذیل موجود میباشد بدقت خواند قضاوت نماید.

http://www.arianafghanistan.de/UploadCenter/ehsan_m_safhae_as_tareekh_18.pdf

Hamed Kamal Farhad

سلام جناب محترم مایار صاحب بسیار جالب و عالی بود

Razia Ghausse

مایار صاحب محترم اگر امکان داشته باشد با داکتر صاحب سعده الله غوثی که در آن زمان رییس تشریفات بودند وبا شاه در روم همسفر بودند به تماس شوید!

Waheed Ebrahim

آقای مایار من به داستان آقای نوروز باور زیاد نمی کنم چون شاهد گفت و شنود های دیگری درین مورد هستم.

Ehssanullah Mayar

دوست محترم- چیزیکه در دسترسم است خدمت خوانندگان عرض شد. برای اكمال این بحث خوب است تا هر کسی وارد در موضوع هستند با استدلال نظر خود را درج کنند تا روزی واقعیت ها از لابلای ابهام بیرون شده و حقیقت مسند اصلی خود را تصاحب کند.

Zainab Kabir

زمانی که این صفحات را مطالعه می‌کنم، دلم از غم فشرده می‌شود، برای وطنم، برای مردم و برای سادگی‌های ما ...

مایار گرانقدر ممنون شما که این اوراق ارزشمند تاریخی را با دوستان شریک نموده و از حقایق پرده بر می‌دارید. موفق و کامگار باشید

Enayatullah Habib

وضعیت فلاکت بار فاکولته حقوق و علوم سیاسی پوهنتون کابل

در گزارش رده بندی SIR پوهنتون های جهان نشر شد که متأسفانه هیچ نهاد تحصیلی افغانستان در میان یک هزار پوهنتون معتبر بین المللی نمی باشد.

بهتر است برای تطبیق قوانین مدنی فاکولته های حقوقی در سراسر کشور آباد شوند و فاکولته شرعیات را که برای تروریست فزودن است ببندند. کافی مدارس دینی داریم که ملا و طالب تولید میکنند. در عصر خردگرایی و اتوم برای عدالت و نظام مترقی دموکراتی به قوانین بین المللی شدید ضرورت داریم امروز در جهان مسایل دینی همه مطیع قوانین مدنی هستند. گویا قانون اساسی مافوق شرعیات است

بدبختانه تنها در افغانستان (کشورهای اسلامی Theokratie) همه چیز تحت شعاع خود دارد

در رابطه سخنرانی

سخنرانی ویکتور هوگو ...

برای پی ریزی جامعه ای بکوشیم که در آن جای کشیش در کلیسای خودش باشد و جای دولت در مراکز کار خودش، نه حکومت در موعظه مذهبی کشیشان دخالت کند و نه مذهب به بودجه و سیاست دولت کاری داشته باشد. برای پی ریزی جامعه ای بکوشیم که در آن، همچنان که قرن گذشته ما قرن اعلام تساوی حقوق مردان بود، قرن حاضر ما قرن اعلام برابری کامل حقوقی زنان با مردان باشد.....

Abdul Nawabi

هاشم خان با هررقمی که بود یک آرامی را به کشور آورد و درده سال صدارت داودخان افغانستان از قرن وسطی به مدنیت ارتقا کرد اما متأسفانه شاه با دیموکراسی مسخره و با اضافه ماده ۲۴ آن در دهسال هیچ کاری صورت نگرفت و زمینه رشد احزاب چپ و راست فراهم شد و رهبران شان وابسته بخارج و شاه هم مصروف عیاشی بود کشور به هرج مرج میرفت و اقتصاد کشور روز بروز خراب شده رفت ۵۰۰۰۰۰ هزار مردم از گرسنگی تلف شدند و مردم در بعضی ولسوالی ها علف میخوردند... سلطنت سقوط کرد یک نفر هم حاضر نشد از شاه و سلطنت پشتیبانی کند... و شاه در خارج خوش بود با پول ایران و عربستان سعودی در غم کشور نبود. بالا خره شاه مانند کارمل که با تانک های روس داخل کشور شد با جت های ناتو به کشور رفت و فریب خورد نامش را ماندند بابای ملت... بابای ملت ای که ۴ پسر خود را درست تربیه کرده نتوانست که به درد کشور بخورد.

Abdul Sabur Wardak

آقای نوایی! عجب استدلال و منطقی؟ داود خان افغانستان را از قرن وسطی به مدنیت ارتقا داد. جناب محترم اگر حالت امروزی خاک ما، و بیشتر از یک ملیون شهید و چهار ملیون محاجر ترقی و تمدن است. پس تنها یک چیز گفته میتوانم لعنت بر این ترقی و تمدن. برادر عزیزم اگر میتوانی، همان نادانی امنیت و زندگی ساده ما را دوباره برایمان هدیه کن که مردم از حکومت، خاک و این اشخاص رسیده گریزان هستند! نمیدانم که وطن دوستی برای خودت چه معنی دارد؟

Ghazniwal Naimullah

Abdul Sabur Wardak ،Ghazniwal Naimullah

آقایی نوابی را گپ گرفته است، دلش میخواد استدلال کند، مگر نمی تواند. دلم بحالش میسوزد.

Abdul Nawabi

این حالت را رفقای شما آوردورنه دوره ۵ ساله جمهوریت از نگاه امنیت ..رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی دوره طلایی کشور نامیده میشود

Abdul Sabur Wardak

دوره طلایی آقایی نوابی: یک ملیون محتاط، هر روز اختطاف، کشتن، زورمند، فساد، فحشاء دزد و رهن، برناموس مردم تجاوز کردن، ترور، بمباران قریه جات، فرار ملت از وطن، در بحر غرق شدن، استعمار ملت، قوم گرایی توسط چند شعبده باز، غلامی چهل مملکت بیگانه در خاک. این همه طلاء هایی قشنگ آقایی نوابی و تاجران خاک فروش تحت نام دیموکراتی و جمهوریت طلایی

Abdul Nawabi

از نادانی تان افسوس میخورم

Ghazniwal Naimullah

مثل شما

ML Peerzada

محتر آقای مایار

قضیه استغفی محمد ظاهر شاه

هر چه بوده باشد گناه نابخشودنی است که شاه در حق ملت اش روا داشته است

زیرا شاه بدست خود به جریانی

مساعت کرده که تا امروز مصایب آن گریبانگیر ملت مسلمان افغان است

بدون شک اگر شاه از حق قانونی خود و ملت خود در برابر

داود و پرچی های کمونیست

همکار او دفاع می کرد و مردانه

به مبارزه بر می خواست مالم وز بااین همه مصایب و فجایع

مواجه نمی بودیم

ابوذر پیرزاده مورخ و روزنامه

نگار افغان

Abdul Nawabi ML Peerzada

به خو

Homayoun Assefy

برادر عزیز احسان جان

تفصیلات موضوع را اگر عمر وفا نمود در خاطرات خود خواهم نوشت.

در اینجا تنها به یک موضوع اشاره مختصر مینمایم:

استعفی نامه را که اعلیحضرت برای من نشان داد دو مورد آن با اعلیحضرت صحبت نبودیم عنوانی ریس جمهور بود و نه عنوانی ملت افغانستان.

از صحبت‌هایی که مرحوم نوروز در غیاب من با اعلیحضرت داشتند معلومات ندارم. با اعلیحضرت مصروف صحبت بودیم که نوروز آمد و اعلیحضرت از وی پرسید که همایون می‌گوید که استعفی نکنم و نوراحمد اعتمادی اصرار به استعفای من دارد نظر شما چه است. نوروز گفت نظر افشای اصفی را تایید مینمایم.

Ehssanullah Mayar

Ehssanullah Mayar Homayoun Assefy همایون جان دوست یک عمرم. روزی در ذهنم تداعی نمود که در اجلاسی پهلوی هم در پشاور نشسته بودیم و من مشغول نوشتن یادداشت بودم و خودت با لطف همیشگی گفتی: احسان جان چی شرس می نویسی؟ گفتم شاید روزی کار بیاید و امروز می بینم که واقعا کار می آید. نزد خودت در خانواده شاهی افغانستان زیادتیرین خاطره ها وجود دارد که مربوط به مردم است تا بخوانند و انتباه گیرند. نوشتن را به آینده نگذار که به آینده اعتماد نیست که تا کدام زمان دوام میکند. من که از تجربه خود می بینم که عمر زود گذر است باید زودتر استفاده نمود. روی عزیزت را از فاصله های زود می بوسم. خداوند نگهدارت.

Homayoun Assefy

برادر عزیز احسان جان

تفصیلات موضوع را اگر عمر وفا نود در خاطرات خود خواهم نوشت.

در اینجا تنها به یک موضوع اشاره مختصر مینمایم:

استعفی نامه را که اعلیحضرت برای من نشان داد عنوانی ریس جمهور بود و نه عنوانی ملت افغانستان.

از صحبت‌هایی که مرحوم نوروز در غیاب من با اعلیحضرت داشتند معلومات ندارم. با اعلیحضرت مصروف صحبت بودیم که نوروز آمد و اعلیحضرت از وی پرسید که همایون می‌گوید که استعفی نکنم و نوراحمد اعتمادی اصرار به استعفای من دارد نظر شما چه است. نوروز گفت نظر افشای اصفی را تایید مینمایم.

Hadi Abawi

این موضوع یک بحث تفصیلی را ایجاب می کند که اگر براه افتاد نظرات خود را عرض خواهم کرد و اما به طور خلاصه در حد یک تبصره فیسبکی عرض بدارم که به نظر من استعفای اعلیحضرت با تمام واقعیت های سیاسی جهانی ، منطقه ای و واقعیت های افغانستان برابری کامل داشته و پادشاه با تیزبینی آنچه را در بین منطقه در شرف وقوع بود درک کرده بودند . شق دومی وجود نداشت و اگر داشت دوستان بفرمایند که چه بود؟ .

Homayoun Assefy

باوجودیکه ایران و پاکستان اعلیحضرت را تشویق می‌کردند که از خود عکس العمل نشان دهد اما ایشان این پیشنهاد ها را رد نمودند. بعد از تجاوز شوروی به افغانستان یکروز در روم برایم گفتند اگر من کدام اقدام بر علیه کودتای داود خان مینمودم این تجاوز در آنوقت صورت می‌گرفت

Ehssanullah Mayar

از ایران زا در خاطرات علم خوانده ام اما از پاکستان زا جائی ندیده ام.

Homayoun Assefy

پاکستان یک هیات مرکب از مرحوم محمد یونس خوگیانی، یک وکیل سابق شینوار که اسمش فعلاً فراموش کرده ام باین منظور به روم فرستاد. این ابتکار در زمان ذولفقار بوتو صدراعظم و نصرالله بابر گورنر صوبه سرحد صورت گرفته بود. شنیده ام که آنها را علیحضرت به حضور نپذیرفت

Homayoun Assefy

بنام وکیل اعظم شینواری. هر دو قبل از کودتا مرحوم داود خان اعضای اولسی جرگه بودند.

Ehssanullah Mayar

ازین موضوع خبر دارم اما سندی مانند نوشته علم و عرض وی به شاه ایران وجود ندارد. خوگیانی خودش با حفندی جان رابطه داشت و در مورد وی سوال های وجود دارد که من شمه ای از انرا به روایت مرحوم ننگرهای چیزکی نوشته ام.

Homayoun Assefy

قضیه سفر شان به روم از زبان هر دو اشخاص مذکور شخصا شنیده ام. وهم در سیمیناریکه مرحوم رسول امین در یونیورسیتی پشاور دایر نموده بودم منم اشتراک داشتم نصرالله بابر از ارسال هیات تذکر داد.

Qamar Farhad

محترم آصفی صاحب، مرحوم علیحضرت درست فرموده بودند. چون در کودتا ۲۶ سرطان خلقی ها و پرچی ها دست بالا داشتند، روس ها حتماً عکس العمل نشان میدادند.

Rahim Barekzey

واقعیت امر و نگاه افغان ملت از صبهگاه اعلام گودتا که هم طراه وهم بانی آن حزب دیموگراتیک خلق که یار و یاور آن اتحاد شوروی آن زمان بود با اشتباه بزرگ جبران ناپذیر شهید داود خان که عقده شخصی فامیلی و احساسات عاقبت نا ادیشی که از مزاج تند و خود خواهی اش بود افغان ملت را دکوهال بد بختی فرورد ، که تا کنون ملت قیمت اشرا میپردازد ، ملت ما نه نه به آن پختکی و دریات سیاسی رسیده بود نه وطن عزیز ما افغانستان کبیر آمده همچو یک تغیرنا به هنگام و غیر ضروری به تبانی اجنبی و کشور بیگانه و کرویچ چپی که نه ریشه مردم ونه احساس ملی ونه درک از واقعیت های جامه که ریشه عمیق نشنلسنی را در خود دارد برای همچو تغیر پر هزینه آماد کی داشت که سر دار صاحب خشمگین بدان مبارد ورزید ، گذشته گذشت بر نمیکرد در افغانستان ما و شما این مثل رایج است ، که کاه بیدانه را باد کردن چه فایده دارد ، خواهان و برادران افغان ملت بیاید برا امروز و فردای تان فکر گنید تا این غم و بدبختی که هر روز وطن عزیز و نیاکان شمارا ، این وطن کبیر و تاریخی تان را ویران میکند و هزار جگر کوشهای شما بخون سرخ میشود، کاری را به پیش کیریم ، سخن های. نو بگوید وقت گهنه فروشی در گزر است ، سخن تازه بگوید تا وطن تازه شود زمان گهنه فروشی گذشته است. بیاید یک حرکت جهانی را که ممثل نشنلیم افغانی باشد برای نجات وطن بیش کش گنیم تا باشد دامن این بد بختی از وطن زیبا و تاریخ افغانستان بزرگ بر چیده شود.

Najib Dawary

هوا و فضای آنوقت کشور طور دیگری بود. افغانستان برای امنیت داخلی و حفظ سرحدات به سلاح عصری ضرورت مبرم داشت، نکسن از همکاری نظامی با صدراعظم داوود طفره رفت و افغانستان را مجبور به مراجعه به شوروی ساخت. هرچند در شروع دهه هشتاد مطبوعات امریکا نکسن را در زمینه بارها ملامت و شخص نکسن بخاطر رفع خجالتی به کرات به پاکستان سفر و در کمپ های مهاجرین افغانها را برای آزادی تشویق کرد. اما حرکات ناشیانه

نکسن در دهه پنجاه میلادی در روابط با افغانستان زمینه حضور روسها را در کشور ما بصورت خزنه و گسترده فراهم ساخت.

شاه بعد از وقایع سال ۲۰۰۱ در مصاحبه با مینه بکتاش خبرنگار بخش دری بی.بی.سی گفت که داوود خان گاهی خوب کار کرد. البته که منظور شاه صدارت داوود خان بود، اما شاه بخاطر دامادش این کارگر خوب را به اساس ماده ۲۴ قانون اساسی از کنارش دور ساخت که این اشتباه بود. ورنه حضور داوود در پهلوی شاه رژیم شاهی را تقویه و متضمن افغانستان قوی و آباد میشد - که نشد.

تا بعد....

Hadi Abawi

یک خدمت بزرگ است .

Rabia Afz-Banoory

مایار صاحب محترم جهان سپاس ازینکه معلومات باارزش و پر محتوا گذشته را در اختیار دوستان فیسبوک گذاشتید واقعن دلچسپ بود .

Hadi Abawi

به نظرم من باید توجه داشت که اقدام لشکر کشی شوروی بیشتر ناشی از وضع سیاسی ایران بود تا مشکلات شان با سردار . اگر در ایران یک رژیم اسلامی بر قرار میشد تشکیل چنین دولتی در افغانستان را تسهیل می کرد . در ان صورت در سرحدات شوروی بر علاوه پاکستان و ایران افغانستان هم علاوه می شد . ترکیه هم قبلا عضو تاتو بود، شوروی عملا محاصره می شد . شوروی ها محاسبه کرده بودند که جمهوری افغانستان برای این رویارویی با این وضع ناتوان است .

Abdul Nawabi

در عنوان مکتوب شاه نوشته که برادر من .. اگر کسی خوانده بتواند نه مردم افغانستان.....

Najib Dawary

یکی از جاسوسان سابق دستگاه استخباراتی شوروی KGB در کتاب اش چنین مینویسد. { یکی از افراد نزدیک به خانواده شاهی به دفتر کشف خارجی در کابل محرمانه اطلاع میداد که شخص شاه غالباً در به راه

اندازی کودتا دست داشته است. شاه هوشیار و دور اندیش افغانستان بخوبی درک میکرد که دیگر نمیتواند با اوضاع متغیر، غیر قابل پیشبینی و انفجار انگیز افغانستان دست و پنجه نرم کند. در آن زمان از یک طرف بنیادگرایان اسلامی نفوذ

خود را توسعه بخشیده و برای مبارزه مسلحانه علیه حکومت آمادگی میگرفتند و از سوی دیگر افراد و حلقاتی که آرزو داشتند افغانستان را از عقب مانی "قرون اوسطایی" برهاند نیز با قاطعیت تمام صدای خود را بر ضد نظام بلند مینمودند.

خصوصیت مسأله در آن بود که حلقات و اشخاص متذکره نه دهقان بودند، نه کارگر و نه هم مأمور عادی دوائر رسمی؛ اینها

غالباً صاحب منصبان جوانی بودند که که ستون فقرات اردوی افغانستان را تشکیل میدادند. در همچون یک اوضاع، ظاهر

شاه میتوانست میان دو سنگ آسیاب قرار بگیرد. شاه افغانستان مدت چهل سال بود که بر تخت شاهی افغانستان قرار داشت،

او طی این مدت تجارب زیادی اندوخته بود، لحظات و روزهای گرم و سرد را نیز دیده بود. ولی اکنون یک احساس درونی

به او توصیه میکرد تا از قدرت کنار رفته و به گوشه آرامی کوچ کرده، قدرت را به شخص قاطع تر بسپارد تا بدین ترتیب

اوضاع در کشور تحت کنترل درآورده شده و اعتراضات ضد حکومتی بیشتر شکل میانه روانه و ملیگرایانه به خود بگیرد،

چیزیکه از دیدگاه تاریخی بیشتر در افغانستان معمول بوده است. چنین یک شخص وجود داشت و آن سردار محمد داوود صدراعظم سابق و قریب نزدیک اعلیحضرت بود. شخص شاه در آستانه "کودتا" رهسپار ایتالیا گردید. سائر خویشاوندان،

متعلقین و نزدیکان شاه حین کودتا و بعد از آن با کدام فشار، تضعیقات... روبرو نشدند.

اطلاعات در باره آنکه "شاه به اجرای کودتای جمهوری موافقت دارد" به مسکو خبر داده میشد. ولی اطلاعات مذکور در

جمع انبوهی از "خبرها" توجه "آمرین" مربوطه را به خود جلب نمی کرد. مسکو نهایت شادمان بود که "افغانستان گام جدیدی به طرف ترقی" برمیدارد.

"آمرین" بخاطر ابراز شادمانی خویش دلایلی نیز داشتند

رئیس جدید دولت افغانستان صبح روز بعد از تصاحب قدرت از طریق رادیوی کابل خطاب به مردم افغانستان اطمینان داد

که او در جامعه تحولات اجتماعی - اقتصادی به میان آورده و دیموکراسی را پیاده میکند. رئیس دولت همچنان اظهار داشت

که نابرابری میان اقشار و قوما از بین رفته، اصلاحات ارضی دهاقین را مالک زمین خواهد ساخت. محمد داوود در خطابه اش هکذا اعلام داشت که قصد دارد به فساد اداری خاتمه بخشیده، کنترل دولت را بالای قیم در ساحات تجارت و

خدمات اجتماعی تأمین نماید، اجرای اهداف دیگری نیز پیشبینی و مطرح گردیده بودند. انصافاً باید تأیید کرد که داوود حین

ریاست جمهوری اش صادقانه سعی میکرد تا تمام وعده های داده شده را عملی سازد و وو...}

DrRabani Alekuzei

برادر دانشمند و معزز دپلوم انجینر مایار صاحب. در دسامبر سال ۱۹۹۱، قسمی که شما آنزمان در باد هامبورگ آلمان اقامت داشتید اطلاع دارید، صدر اعظم سابق آلمان و رئیس حزب سوسیال دموکرات آلمان آقای ویلی براند از چندین تن افغانان و ممالک ذیدالخل معضله افغانستان برای یک کنفرانس بزرگی دعوت نمود. چون من از یک نگاه شناخت با تنظیم ها داشتم، ویلی براند برایم گفت که از شاه و رئیس اتحاد مجاهدین آقای حضرت صاحب مجددی خواهش جدی کن که دعوت اش را قبول نموده و به کنفرانس بن اشتراک نمایند.

من اول با آقای مجددی تلفون کردم. او گفت که من می خواهم که پیام ، اما آقایان ربانی ، سیاف، حکمتیار و خالص هر روز گروه های قوماندان های خود را نزد من فرستم که تاکید گی نمایند که در کنفرانس در زیر یک سقف با داکتر نجیب الله نباید بنشینم. بعد من به

روم به شاه تلفون کردم و در تلفون از شاه خواش کردم که مسئولیت اش در مقابل افغانستان و ملت بزرگ است و باید در کنفرانس اشتراک نمایند. شاه بالای من به قهر گفت که وی برادر تو هم هم یک افغان هستی. چرا مسئولیت همه متوجه من باشد. من بر ایشان گفتم: اعلیحضرت صاحب، من به قسم انتقاد برای جناب شما نگفتم که تمام ملت از شما توقع دارد، بلکه به خاطری که اکثر ملت به شما اعتماد دارد و به این نسبت امید شان طرف شماست. با این جمله من شاه آرام شد و از من تشکر نموده د به راز دل شروع کرد. او بالاخره به من در صحبت خود گفت که داود خان عصبانیت کرد و با این عصبانیت خود ، اشتباه نمود و با جریان پرچم به ضد من کو تاه کرد. برایم معلوم شد که او از کو دتاه سردار داود فقید شدیداً نا راحت بود. به این خاطر من نظر دارم که شاه نسبت مصلحت ملت و نسبت آرام ماندن ملت یک اشتباه کرد که منصرف از سلطنت شد. شاه مانند امان الله خان اشتباه کرد که از سلطنت افغانستان بزودی دست بر داشتند. اگر این اشتباه را نسبت مصلحت ملت نمی کرد، او می توانست که به قسم یک شاه خلع ناشده و یا استعفاء نکرده ، یک رژیم دموکرات شاهی مشروطه ملی را در افغانستان بار آورد.

Abdul Nawabi

از شاه وسقوط سلطنت یکنفر هم پشتیبانی نکرد شاه میدانست که به عیاشی و هواخوری کاری پیش نمیرود فقیر ترین و بیسواد ترین کشور جهان بودیم اشتباه بزرگ کرد که دوپسر کاکاپیکه کار میکرد را از خود دور ساخت و داماد تا آخر عمر به سر شانه ها سوار بود اینکه چه طلسم بود که شاه داماد را چیزی گفته نمیتوانست شاید آقای مایار که با شاه نزدیک بود بداند که خوب است آنرا افشا کند. شاه معومدار از سلطنت خلع شد خوش نبود گاهی در شکار و گاهی در لندن و گاهی به سواحل ایتالیا قصر و وووو را پیدا کرده میتوانست

DrRabani Alekuzei

Abdul Nawabi DrRabani Alekuzei نوایی صاحب، حالا به خاطری که بالای دیگران قهر. هستید، شاه را می کوبید. شاه افغان بکلی عیاش نبود. و تا تا سال ۱۹۶۳ دوش بدوش با این پسران کا کا کار میکرد. بعد ازینکه داکتر محمد یوسف موظف به تشکیل کابینه شد. افغانستان بهترین صدر اعظم را در بین ملت و خارج فامیلی سلطنتی یافت.

Abdul Nawabi

در هسال دوره دیموکراسی چه کار شد. لطفاً تشریح کنید که بدانیم

DrRabani Alekuzei

نوایی صاحب پیشرفت سریعتر در. ساحه معارف. بخصوص پوهنتون کابل به قسم مدرنترین پوهنتون و سر سبز ترین پوهنتون جهان ، پولیتخنیک کابل، تخنیک های کابل و مرارشریف، پروژه های مناطق مسکونی، سرکسازی، زراعت، جذب کمک های بیشتر در امور پیشرفت اعمار تعمیر های دولتی با شرکت هوختیف آلمان و رایج ساختن خانه سازی مدرن، تامین بیشتر آزادی فردی به اساس تصویب مدرنترین قانون اساس در جهان سوم، آزادی بیشتر مطبوعات، محدودیت صلاحیت قدرت فامیل سلطنتی در امور دولت. و غیره

Abdul Nawabi

اینها در وقت صدارت داودخان شده بود سوال من دوره دهساله دوره دیموکراسی است..... مدرن ترین قانون اساسی که خود کسانیکه ساخته بودند پشیمان شده بودند کشوریکه زیادتیر از ۹۵ فیصد بیسواد... و دیگران را هم پرچی و اخوانی ساختند خیانت بزرگ را مرتکب شدند اقتصاد خراب شده رفت از گرسنگی ۵۰۰۰۰۰ هزار مردم تلف شد پوهنتون بسته شد در مکاتب مظاهره و درس نیوز پارلمان هم مسخره تر و در کار های شخصی مصروف و ۵ صدراعظم تغیر و تبدیل شد و هیچ کاری صورت نگرفت باز هم اگر شما میدانیدگیه کاری شده بنویسید

DrRabani Alekuzei

تعداد شاگردان معارف نظر به احصائیه بین سالهای ۱۳۵۳ الی ۱۳۶۶ ده چند زیاد شد. این خود یک پیشرفت خیلی چشمگیر تحت قیادت شاه و صدارت داود خان و دکتور محمد یوسف می باشد. پوهنتون کابل هم در سال ۱۳۴۴ افتتاح شد یعنی در زمان صدارت دکتور محمد یوسف.

به ارتباط اینکه چرا مردم در مقابل کودتای سردار محمد داود فقید عکس العمل منفی نشان ندادند، به نظر من چند دلیل وجود داشت:

اول (شاه و صدر اعظم سابق نامور افغانستان هر دو خدمتگار ان واقعی وطن ما بو دند و هر دو از محبوبیت مردم برخوردار بودند.

دوم) شاه و پسر کاکایش هر دو اعضای فامیل سلطنتی بودند. و هر دو نزد ملت اعتبار داشتند.

سوم) یک رژیم جمهور ی به مقایسه یک رژیم شاهی یک فورم مدرن دولت داری است و انسانها عادت به یافتن و پیدا کردن بهبودی زندگی را دارند. در عین زمان انتقال قدرت نسبت شهرت داود خان غیر خونین و بدون تلفات بود.

چهارم) و غیره.....

Homayoun Assefy DrRabani Alekuzei

منظور از افتتاح تعمیر جدید پوهنتون میباشد. تاسیس پوهنتون کابل چند دهه قبل ایت

Homayoun Assefy ،DrRabani Alekuzei

محترم آصفی صاحب، مرام من از تعمیر جدید پوهنتون است که ذریعه شرکت هوختیف آلمان ساخته شد و در در سال ۱۹۶۴ و یا ۱۹۶۵ میلادی به استفاده قرار گرفت.

Qamar Farhad

جناب محترم مایار صاحب، از توضیح و معلومات ایکه در قسمت استعفی مرحوم اعلیحضرت ارئه کردید تشکر مینمایم . واقعاً معلومات ارزنده و تازه است . شمه ازین موضوعات راز منابع مختلف شنیده بودم اما نه به این تفصیل . ایکاش هیچگاه کودتا ۲۶ سرطان پیروز نمیشد و ملت این همه درد ،رنج ،و وحشت متواتر را نمیدید .

سرفراز باشید

Farouq Azam

روزی در روم با مرحوم اعلیحضرت راجع باوضاع افغانستان صحبت داشتم. دران روزگار شورویها در افغانستان بودند و جهاد علیه شان بشدت روان بود. من کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ را عمدتاً تمهید بمشکلات کنونی عنوان کردم که مؤسسه سلطنت را که نیاکان ما با هزارها مشکل بوجود آورده بود و ازان با مال و سر حراست نموده بود، از بین برد. تشریح کردم که این مؤسسه بس مهم با ریشه های عمیق هرکس و قدرت از بین برده نمیتوانست. بدست کسی از بین برده شد که ملت مسؤل حفاظتش کرده بود. بعد از تشریح تکوینی و تفعلی این مؤسسه، اعلیحضرت با بسیار تأثر گفت: وقتیکه از کودتا خبر شدم، فهمیدم روسها می آید. من برایش گفتم: میشد شما درانوقت بملت میگفتید که خبردار باشید،

روس آمدنی است. در آنوقت شاید مردم چیز دیگر میگفت. ولی حالا ثابت میشد. مگر در عوض شما استعفی با مفهوم تبریکی روان کردید. مردم افغانستان فکر کردند که این یک سازش درون خاندانی است. من چون از کندهار استم، در کندهار مردم نارام بودند، وقتیکه از استعفی شنیدند، نفس نسبتاً راحت کشیدند. اعلیحضرت در جواب چیزی نگفت.

Abdul Nawabi

بی کفایتی شاه و زیر تاثیر بودن داماد < تملق و چاپلوسی به شاه توسط اشخاص.. در دوران جهاد هم کاری شاه و طرفدارانش چیزی نکردند بغیر از مهمانی خوردن

Homayoun Assefy

برادر عزیز احسان جان

تفصیلات موضوع را اگر عمر وفا نود در خاطرات خود خواهم نوشت. در اینجا تنها به یک موضوع اشاره مختصر مینمایم:

استعفی نامه را که اعلیحضرت برای من نشان داد عنوانی ریس جمهور بود و نه عنوانی ملت افغانستان. از صحبت‌هایی که مرحوم نوروز در غیاب من با اعلیحضرت داشتند معلومات ندارم. با اعلیحضرت مصروف صحبت بودیم که نوروز آمد و اعلیحضرت از وی پرسید که همایون می‌گوید که استعفی نکنم و نوراحمد اعتمادی اصرار به استعفا من دارد نظر شما چه است. نوروز گفت نظر افشای اصلی را تایید مینمایم.

Ghulam Hassan Gran

جناب آصفی صاحب ؛ استعفا نامه اعلیحضرت به خط و کتابت خود شان می باشد؟

Homayoun Assefy

بگمان اغلب

Abdul Nawabi

دوره ترقی امان اله خان با یک دوره سیاه تبدیل شد که با آمدن نادرخان توانست کشور را از آن بدبختی نجات دهد همچنان دوره طلایی ۵ سال جمهوریت به یک دوره سیاه تبدیل شد اما متأسفانه کسی پیدا نشد که آنرا از وضع خراب نجات دهد انتظار مردم از شاه بود اما آن مصروف هواخوری در سواحل ایتالیا بود و کاری کرده نتوانست . وحتی گفته میشود که شاه آرزو نداشت به کابل برود ..خلیل زاد برایش گفت که معاشات قطع میشود و در ایتالیا زندگی کرده نمیتوانی ..باید به کابل بروی ..بعد شاه مجبور شد که به وطن برگردد وحتی نتوانست که آقای سیرت را از نزدیکیان شاه بود با خود ببرد و سردار ولی مانع رفتن آقای سیرت به کابل شد.

باقی دارد

۲۴/ ۱۱/ ۲۰۲۰ ،

یادداشت:

۱ - نوشته حاضر را بنا به احترامی که به همکار عزیز ما آقای "باز" داریم و به پاس زحمتی که ایشان متقبل شده اند و اعتقاد راسخ ما به اصل آزادی عقیده و بیان منتشر می سازیم ورنه با در نظر داشت اوضاعی که فعلاً در افغانستان حاکم است و از در و دیوار آن خون ریخته از یک جانب از گوربرخاستگان تاریخ به نمایندگی از ارتجاع منطقه و از طرف دیگر جواسیس تکنوکرات در همسویی با بخش هائی از اسلام سیاسی، کشور را به قربانگاه جنایات جهانی و مردم آن را به گوشت دم توپ مبدل نموده اند و همسو با آن شخص "ظاهرشاه"، شاه نمک ناشناسی که در تمام دوران ۱۴ ساله

حضور اشغالگرانه روس که نه تنها مردم سراسر افغانستان شامل تمام طبقات و اقشار اجتماعی با شعار "بر مرگ بر روس اشغالگر" و "روسها از ملک ما بیرون شوید***" ورنه غرق رودبار خون شوید" سینه سپر نمودند، بلکه مردم سراسر جهان خواهان خروج بدون قید و شرط ارتش اشغالگر روس از افغانستان شدند، مگر "ظاهر" حتا به مثابه یک تبعه افغانستان، شخصاً زبان باز ننموده یک کلمه در مورد حضور اشغالگران بیان نداشت تا چه رسد به این که احساس مسؤولیت نموده خروج آنها را از افغانستان خواستار شده و یا چون "نوردوم سیهانوک" علم مبارزه را علیه تجاوز برافرازد، و فقط زمانی پای به افغانستان گذاشت تا از جانب امپریالیسم با گرفتن "تقاعد سیاسی" یک عمر خیانت به افغانستان جهت فریب و اغوای مردم و موجه نشان دادن تجاوز عربیان و خونبار امپریالیسم، بر تجاوز امپریالیسم امریکا و شرکاء صحه گذارد؛ برای ما این ارزش را ندارد تا صفحات پورتال را به بحث درموردش اختصاص داده وقت و نیروی خود و خوانندگان ما را در آن مورد ضایع بسازیم.

۲- به نظر ما در شرایط فعلی، هر نوع بحثی که در جهت افشای اشغالگران و اعمال خونبار آنها و در جهت افشاء و بسیج مردم علیه اشغالگران و ارتجاع سیاه مذهبی نباشد، حداقل برای بیرون رفتن از اوضاع کنونی نه تنها هیچ نوع مفیدیتی را دارا نیست، بلکه می تواند از یک سو باعث انحراف افکار نویسندگان و خوانندگان از پرداختن به اوضاع مستعمراتی کنونی و از جانب دیگری به ایجاد و تشدید افتراق منجر بگردد.

۳- احترام به کار و وقت خود ما، و بی ارزش دانستن موضوع بحث یگانه عاملی بوده است که این مجموعه را مطلقاً ویراستاری ننمائیم.

اداره پورتال AA-AA